نگاهی به مقاومت رزمندگان در خرمشهر در گفت‌وگوی «جوان» با رئیس سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش

مقاومت ۳۴ روزه یک مقطع طلایی در دفاع مقدس است

■ احمد محمدتبریزی

دفاع ۳۴ روزه از شهر خرمشهر اتفاق مهمی در تاریخ دفاع مقدس به شمار می‌رود. هرچند پس از ۳۴ روز، خرمشهر به اشغال دشمن درآمد ولی موجب شد تا تمام برنامه‌های دشمن متجاوز به‌هم بخورد و نیروهای نظامی نیز در این مدت سازماندهی کنند. صدام در برنامه‌هایش تصور می‌کرد در عرض یک روز خرمشهر را اشغال خواهد کرد و به هیچ عنوان تصور نمی‌کرد روزها پشت دروازه خرمشهر بماند. این دفاع ۳۴ روزه، مرهون رشادت و فداکاری نیروهایی است که با کمترین امکانات و تجهیزات، خودشان را به خرمشهر رساندند و مشغول دفاع از شهر شدند. امیر «محمدرضا فولادی»، رئیس سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش در گفت‌وگو با «جوان» به تشریح دفاع مردمی از خرمشهر و حضور تأثیرگذار تکاوران نیروی دریایی می‌پردازد که به صورت بهتر و دقیق‌تر اهمیت این مقاومت ۳۴ روزه را نشان می‌دهد.

■■■

رژیم بعث قبل از شروع جنگ تحمیلی به دنبال ناامنی در خرمشهر بود. این شهر در جنگ چه اهمیتی برای ایران و عراق داشت و چرا بعثی‌ها آنقدر نسبت به خرمشهر حساسیت داشتند؟

خرمشهر یک شهر بندری بزرگی بود و برای صدام اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. یکی از بهانه‌ها و ادعاهای ارضی صدام نسبت به رودخانه اروند بود. او مالکیت تمام اروند را برای خودش می‌دانست و ادعا داشت در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به دلیل قدرت ایران و ضعف عراق این قرارداد به او تحمیل شده است. برای صدام مهم بود تا با اشغال خرمشهر ساحل شرقی رودخانه کارون را هم در اختیار بگیرد و کاملاً بر اروندرود مسلط شود. آن زمان او تنها ساحل غربی را در اختیار داشت و ساحل شرقی در اختیار ایران بود و هر دو کشور می‌توانستند روی تحرکاتی که داخل اروند صورت می‌گرفت نظارت و کنترل داشته باشند. همچنین صدام خیالات دیگری در جنگ در رابطه با خرمشهر و آبادان داشت. او می‌خواست در حمله خودش به ایران از خرمشهر به عنوان سر پل استفاده کند و از طریق این شهر به آبادان برسد و تجاوز خودش را توسعه بدهد و به سمت ماهشهر و بندر امام بیاید. صدام به نوعی می‌خواست خودش را از آن خفگی ژئوپلتیکی جهت دسترسی به آب‌های آزاد در بیاورد. با تصرف خرمشهر محاصره آبادان به حالت ۲۷۰ درجه‌ای رسید و اگر این شهر محاصره کامل می‌شد هدف صدام برای اشغال سه روزه خوزستان به وقوع می‌پیوست. خرمشهر برای صدام خیلی مهم بود. اولین شهر مرزی بود و فاصله‌اش از مرز شلمچه تا خرمشهر ۲۰ کیلومتر بیشتر نمی‌شد و می‌خواست با یک خیز چند ساعته خودش را به خرمشهر برساند که این طرح به نتیجه نرسید. مقاومت نیروهای مردمی و نظامی موجود در آن زمان برای ما خیلی اهمیت داشت.

این مقاومت به دلیل برهم خوردن نقشه‌های دشمن و خرید زمان اهمیت دارد؟

بله، خرمشهر برای ما نماد دو چیز است؛ یکی نماد پیروزی و دیگری نماد مقاومت. مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر برای ما یک زمان طلایی در دفاع مقدس محسوب می‌شود. از این جهت به این مقاومت زمان طلایی می‌گوییم که این ۳۴ روز باعث شد جلوی نیروهای صدام گرفته شود و ما بتوانیم نیروهای نظامی خودمان را سازماندهی کنیم و از مناطق مختلف کشور به خوزستان بکشانیم. در طرح‌های دفاعی ما فقط لشکر ۹۲ در خوزستان حضور داشت و ما توانستیم تیپ ۳۷ زرهی، تیپ ۵۵، لشکر ۲۱ و ۱۶ را به خرمشهر بیاوریم و خطوط دفاعی‌مان را مستحکم کنیم. راهبرد نظامی صدام جنگ برق‌آسا بود و می‌خواست در کمتر از یک هفته کار را تمام کند. صدام برای گرفتن خرمشهر در یک روز برنامه‌هایش را ریخته بود و در محاسباتش نیز این کار را به راحتی انجام می‌داد و اگر مقاومتی شکل نمی‌گرفت نقشه‌هایش به راحتی میسر می‌شد.

به همین دلیل در همان اول کار تنها با دو گردان به خرمشهر حمله کرد؟

بله، چون می‌دانست به آن شکل نیروی دفاعی در خرمشهر نیست. دشمن حساب و کتاب همه چیز را کرده بود. سران خودفروخته‌ای که در ایران بودند، اطلاعات نظامی را در اختیار داشتند و کنار صدام نشسته بودند و مشورت‌های لازم را به او می‌دادند. از داخل هم کارشکنی‌هایی وجود داشت. کودتای نقاب یکی از توطئه‌ها برای تضعیف ارتش بود. طراحان کودتا می‌دانستند به اهدافی که تعریف کرده‌اند نخواهند رسید ولی گفتند اگر به این اهداف نرسیم حداقل ارتش تضعیف خواهد شد. آنها از نیروهای پاکسازی شده ارتش در نیروی هوایی، لشکر ۹۲ و تیپ ۲۳ نوهد را مشارکت داده بودند که بعد از این اقدام، نظام با این نیروها برخورد کرد. یک بدبینی هم بین مردم و ارتش ایجاد کرد که تمام این اتفاقات به سود صدام بود و مقدمه‌چینی برای حمله به کشور به حساب می‌آمد. منتها صدام ارتش را بر اساس همان معادلاتی که به او گفته بودند شناخته بود و نیروی ایمان در بدنه ارتش و روحیه و انگیزه‌ای را که انقلاب ایجاد کرده بود حساب نکرده بود. ما در خرمشهر فقط یک یگان ژاندارمری داشتیم و پادگانی به نام پادگان دژ مربوط به لشکر ۹۲ بود که آنجا یک گردان مرزبانی حضور داشت که به سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین مجهز بود. نیروهای بسیج، سپاه و شهربانی هم حضور داشتند که تجهیزات و استحکام سازمانی خاصی نداشتند. روز ۳۱ شهریور که جنگ شروع شد گردان تکاوران نیروی دریایی از بوشهر شبانه حرکت کردند و صبح روز بعد خودشان را به خرمشهر رساندند. ناخدا صمدی فرمانده این گردان بود که حدود ۷۲۰ نفر نیرو داشت. البته فقط تکاوران ناخدا صمدی در خرمشهر حضور نداشتند، یک گردان تکاور از منجیل به خرمشهر اعزام شده بود که فرمانده‌اش ناخدا ضرغامی بود که آنها هم در این مقاومت و پیروزی‌های بعدی‌اش نقش داشتند. روز دوم مهر ماه دانشجویان دانشکده افسری که فرمانده‌اش شهید نامجو بود، دانشجویان سال دوم و سوم را که ۷۳۱ نفر بودند در پنج گردان رزمی سازماندهی کرد و ۴۸ ساعت بعد از شروع جنگ به اهواز آورد. پرواز به سمت اهواز در شرایط جنگی که وضعیت قرمز بود و دشمن آسمان را در اختیار داشت کار بسیار سختی بود. یک گردان از این پنج گردان به خرمشهر رفت و بقیه گردان‌ها به شهرهای دیگر خوزستان رفتند. تمام نیروها در خرمشهر به هم ملحق شدند و یک قرارگاه در اروند تشکیل شد و امیر حسنی‌سعدی به آنجا رفت و تا پایان جنگ همانجا ماند.

در کل چه تعداد نیرو از خرمشهر دفاع می‌کردند؟

آمار دقیقی از تعداد نیروها ذکر نشده است ولی به نظر می‌رسد تمام این نیروها دو تا سه هزار نفر بودند. نیروی آنچنانی در شهر حضور نداشت ولی همین نیروی اندک با انگیزه و با روحیه نقش خیلی مهم ایفا کردند. البته نباید از نقش مردم به ویژه زنان هم غافل شد و یا حضور تمام این نیروها مقاومت ۳۴ روزه شکل می‌گیرد تا آن زمان طلایی برایمان ایجاد شود. پس از آن ما می‌بینیم که فرمان امام خمینی مبنی بر شکست حصر آبادان صادر می‌شود و یکی از مهم‌ترین اتفاقات دفاع مقدس یک سال بعد رقم می‌خورد. پس می‌بینیم که خرمشهر نماد پیروزی هم است. در ادامه این عملیات ما به سوم خرداد و سالروز آزادی خرمشهر می‌رسیم که اتفاق بسیار مهمی در آن مقطع است. همچنین می‌بینیم که مردم و تمام نیروهای نظامی در عملیات بیت‌المقدس نقش مهمی ایفا کردند تا این شهر آزاد شود و مهم‌ترین اتفاق تاریخ جنگ رقم بخورد.

تمام این نیروها تا چهارم آبان در خرمشهر ماندند یا قبل از آن از شهر خارج شدند؟

این نیروها تا چهارم آبان در خرمشهر ماندند و پس از آن از شهر نرفتند. مثلاً تکاوران دریایی در جایی در نزدیکی خرمشهر ماندند و هم‌قسم شدند تا آزادی خونین‌شهر منطقه را ترک نکنند. نیروها در منطقه‌ای بین آبادان و خرمشهر یا ماهشهر و آبادان ماندند و در نزدیک‌ترین خط به دشمن حضور داشتند. در خاطرات تکاوران دریایی آمده که در پایان روز سی‌وچهارم مردم را با لنج و قایق از شهر خارج می‌کنند. تمام مردم خرمشهر را ترک نکرده بودند و تا آخرین روز کنار نیروهای نظامی حضور داشتند و مقاومت می‌کردند. اشغال خرمشهر تمام و کامل نبود و ما بخشی از شهر را در قسمت جنوبی در اختیار داشتیم. ما هرگز از خرمشهر دل نکنده و آنجا بودیم و عراقی‌ها هم بر در و دیوار خرمشهر نوشته بودند: «ما آمده‌ایم بمانیم» ولی تکاوران و نیروهای رزمنده وقتی می‌خواستند شهر را ترک کنند می‌گفتند: «خرمشهر ما باز خواهیم گشت» و واقعاً باز گشتند. بسیاری از نیروهای پادگان دژ دوباره به شهر برگشتند. تمام این نیروها می‌گفتند ما رفتیم که پرقدرت‌تر برگردیم و آزادی خرمشهر را ببینیم که برخی از این نیروها به شهادت رسیدند و آزادی شهر را ندیدند. از اشغال تا آزادی خرمشهر گردان ناخدا صمدی ۱۲۰ شهید داد.

چهارم آبان که اشغال خرمشهر مسجل شد حال و هوای مردم ایران چگونه بود؟

پی بردن به اینکه در دل مردم چه می‌گذشت را می‌توان در آزادی خرمشهر متوجه شد. چون مردم آن زمان در غربت و مظلومیت کامل خرمشهر را ترک کردند و در ماتم بودند ولی در آزادسازی خرمشهر می‌بینیم که تابلویی نصب می‌شود با این مضمون «به خرمشهر خوش آمدید، جمعیت ۳۶ میلیون نفر.» با خواندن این جمله آدم احساس می‌کند تمام ۳۶ میلیون جمعیت کشور دلشان در خرمشهر جا مانده بود. واقعاً خرمشهر پاره تن ایران بود. در آزادسازی‌اش جشن و سرور در کشور راه می‌افتد و آن زمان بهتر می‌شد فهمید با اشغال خرمشهر چه غم و ناراحتی‌ای در دل مردم نشسته بود. خرمشهر یکی از شهرهای مورد علاقه ایرانیان بود و در دل استان خوزستان مثل نگین می‌درخشید. همچنین صدام و حزب بعث تبلیغات زیادی روی اشغال شهر کردند و رجزخوانی‌های زیادی انجام دادند که برایمان سنگین بود. مثلاً می‌گفتند ایران دیگر خواب داشتن خرمشهر را ببیند یا صدام می‌گفت اگر ایران دستش به خرمشهر رسید من کلید بصره را به آنها می‌دهم و شنیدن این حرف‌ها خیلی برای مردم سخت بود و داغ دلشان را تازه می‌کرد.

در پایان برایمان از چند شهید این دفاع ۳۴ روزه بگویید.

شهدای فراوانی در این دفاع و مقاومت مردمی حضور داشتند. برخی از شهدا در طول این ۳۴ روز شهید شدند و برخی دیگر در عملیات‌های بعدی به شهادت رسیدند. شهید حسن اقارب‌پرست یکی از شهدای بزرگی است که خیلی سریع خودش را به خرمشهر رساند و تا آخرین روز اشغال شهر در این شهر ماند. شهید افتخاری یکی دیگر از بچه‌های نیروی دریایی بود که در جریان دفاع مردمی به شهادت رسید. هوانیروز هم در جریان دفاع از شهر شهدای بزرگی داد. شهیدان نصرالله آسیایی و منصور وطن‌پور در روزهای اول جنگ در انتقال مهمات، رزمندگان و مجروحان نقش زیادی داشتند. لشکر ۹۲ نیز چون در پادگان مرزی مستقر بود شهدای زیادی داد. شهید مصطفی کبریایی یکی از شهدایی است که در خرمشهر و پادگان دژ به شهادت رسید. چندین تن از دانشجویان دانشکده افسری در این ۳۴ روز شهید شدند. سه فرمانده گردان که از یگان‌های دانشجویی بودند به نام‌های شهیدان جوانشیر، اصلانی و تهمتن در خرمشهر به شهادت رسیدند و بسیاری نام‌های دیگر که همه را نمی‌توان بر زبان آورد. از مردم و سپاه خرمشهر هم نیروهای زیادی شهید شدند. نیروی هوایی نیز در سه ماهه اول جنگ ۸۰ شهید خلبان داد. خلبانان در بمباران نیروهای متجاوز به خرمشهر نقش داشتند و در پشتیبانی از نیروهای خودی فعالیت‌های زیادی انجام دادند. گفتنی است در آن روزهای اول جنگ فشار زیادی روی پایگاه هوایی دزفول و وحدتی بود و حکم تخلیه پادگان هم آمده بود ولی خلبانان با غیرت اجازه تخلیه ندادند و گفتند تا زمانی که خون در بدنمان هست از کشور دفاع می‌کنیم.

تکاوران نیروی دریایی ارتش در خرمشهر

امیر سرتیپ محمدرضا فولادی

> آمار دقیقی از تعداد نیروهای مدافع خرمشهر در دست نیست ولی به نظر می‌رسد تمام این نیروها دو تا سه هزار نفر بودند. نیروی آنچنانی در شهر حضور نداشت ولی همین نیروی اندک با انگیزه و با روحیه نقش خیلی مهم ایفا کردند. البته نباید از نقش مردم به ویژه زنان هم غافل شد

> خرمشهر برای ما نماد دو چیز است؛ یکی نماد پیروزی و دیگری نماد مقاومت. مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر برای ما یک زمان طلایی در دفاع مقدس محسوب می‌شود. از این جهت به این مقاومت زمان طلایی می‌گوییم که این ۳۴ روز باعث شد جلوی نیروهای صدام گرفته شود

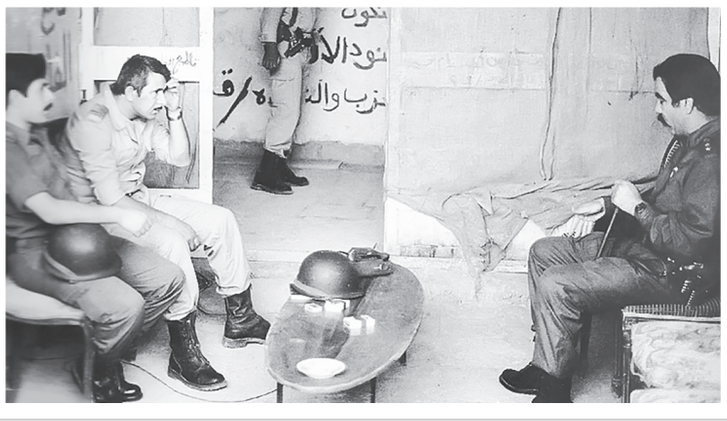

نیروهای ارتش بعث در یکی از خانه‌های اشغال شده خرمشهر

یادکرد

شهید حسن اقارب‌پرست و رشادت‌هایش در خرمشهر

باور داشت هرگز شکست نمی‌خوریم

شهید حسن اقارب‌پرست از نیروهای زبده ارتش بود که با شروع جنگ تحمیلی خودش را به خرمشهر رساند و مشغول دفاع از شهر شد. شهید اقارب‌پرست با اصولی که از رزم می‌دانست و با توجه به امکاناتی که در دسترس داشت، نیروهای نظامی و مردمی را سازماندهی کرد، مقابل دشمن ایستادند و با نیروی بسیار کمی که آنجا بود، از پیشروی دشمن بعثی جلوگیری کردند و توانستند ۳۴ روز تمام در برابر تجهیزات دشمن ایستادگی و مقاومت کنند.

او بارها و بارها گفته بود: «ما به‌خاطر خدا می‌جنگیم و هرگز شکست نخواهیم خورد.» به همین دلیل استراحت برای او معنا نداشت. شب و روز در تلاش بود و در ادامه تلاش‌هایش در خرمشهر، بر اثر اصابت ترکش خمپاره مجروح شد. در اوج تجاوز دشمن و بحبوحه جنگ، در بالا بردن روحیه پرسنل و تلاش برای ارتقای وضعیت آنان که نشانگر ایمان بالا، اعتقادی قوی و هوشمندی او بود، از هیچ کوششی دریغ نکرد.

پس از اشغال خرمشهر، سرگرد اقارب‌پرست به آبادان اعزام شد و آنجا ستاد مقاومت تشکیل داد. او کنار سرهنگ سیدمحمدعلی شریف‌النسب، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داد. سرگرد اقارب‌پرست تانک‌ها و توپ‌های اطراف را که آسیب دیده بودند جمع کرد و نخستین گردان زرهی در آبادان به نام گردان المهدی(عج) را تشکیل داد و توانست مقابل دشمن یک آرایش نظامی نسبتاً مناسبی شکل دهد و با کمک نیروهای ارتش، سپاه و نیروهای مردمی محلی، جبهه بهمن‌شیر و ذوالفقاری آبادان را به کنترل درآورد و نگذاشت نیروهای عراقی که آبادان را محاصره کرده بودند، وارد شهر شوند.

اوایل سال ۱۳۶۲ پس از دو سال خدمت در اداره دوم ارتش، دوباره به جنوب بازگشت و در لشکر ۹۲ زرهی اهواز به فعالیت‌هایش ادامه داد. همیشه می‌گفت: «نور الهی آنجا [جبهه] متجلی است، آنجا جایگاه تزکیه نفس است.»

شهید حسن اقارب‌پرست صبح روز ۲۵ مهر ۱۳۶۳ همراه عده‌ای از فرماندهان هنگامی که از جزایر مجنون بازدید می‌کرد، آخرین گام‌هایش را در طی طریق حق بر خاک‌های سرخ جبهه جنوب نهاد و «اللهم الرزقنا شهاده فی سبیلک» را آمین گفت. لحظاتی بعد خمپاره‌ای فرود آمد و خون سرخ او را بر زمین جاری ساخت.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۰۵

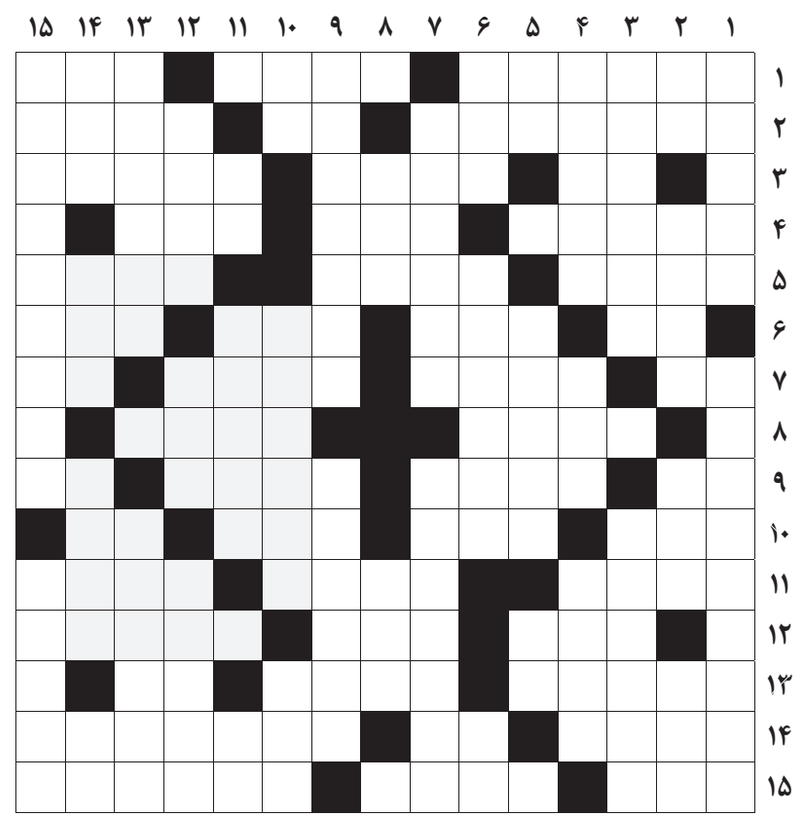

از راست به چپ

■ ۱- یکی از چهارنبی بزرگ بنی‌اسراییل- مدت زمان بین ظهور دو پیامبر- درد و مشقت ■ ۲- کار بسیار پرزحمت- پنبه دانه- نوعی قایق مسابقه‌ای ■ ۳- رنگ خون انگلیسی- جناح لشکر- پلیس راهنمایی و رانندگی ■ ۴- خدای ایرانیان باستان- حالت بیهوشی- به دست آوردن ■ ۵- هیچ‌کس را یارای توقف آن نیست- برقرار و آباد- الفبای نابینایان ■ ۶- مخفف هستم- گیاه گونی- چراغ آسمان- سطل ■ ۷- ناپیدا- برادر ارتش- سردار- قورباغه ■ ۸- کاشف آسپیرین- واسطه معامله ■ ۹- حیوان باوفا- نویسنده لبه تیغ- سلاح سنگین جنگی- کافی ■ ۱۰- از شما دور باد- گیاه تاجریزی- شهر بادگیرها- خط عابر ■ ۱۱- خانه ترکی- سوغات کرمان- پیشرفت ■ ۱۲- قطعی برای سکه- مادر آذری- تهمت زدن ■ ۱۳- بهترین بازیکن سال فوتبال جهان در سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳- آشیانه پرنده- حرف خطاب ■ ۱۴- نویسنده و فیلسوف فرانسوی خالق زندگانی مسیح- گاو دم‌بریده- کوه خشمگین ■ ۱۵- لباس جراحان- نوعی بیماری ویروسی واگیردار- روزنامه انگلیسی

از بالا به پایین

■ ۱- دالان- رمان مشهور فیتز جرالد، نویسنده امریکایی ■ ۲- خاموش فرنگی- مهار- حنجره- شهری در آلمان ■ ۳- کلیسای پاریس- انکار و حاشا ■ ۴- صندوق چوبی نگهداری لباس- خونابه- دیگ گرمابه‌های قدیم ■ ۵- از گروه‌های خونی- مخزن مواد گازی- ضمیر سه کیلویی ■ ۶- ته‌نشین مایعات- اثر شولوخف روسی- شعله آتش ■ ۷- قهوه فوری- از اسباب‌بازی‌های قدیمی و اصیل ایرانی ■ ۸- درس نخوانده- فینال بی سروته ■ ۹- بیماری مخصوص جوندگان- پایتخت آلبانی ■ ۱۰- باران اندک- حد و مقدار- از نیازهای صنعت گردشگری ■ ۱۱- سخن صریح- گلزن منچسترسیتی- نمایش تلویزیونی ■ ۱۲- پیله‌ور- غلط‌گیر اداری- درک متقابل ■ ۱۳- استراتژی- کنگر رومی ■ ۱۴- مهد- زرد انگلیسی- شکافنده علوم- ضمیر اشاره ■ ۱۵- کارگردان مجموعه فیلم‌های جنگ ستارگان- یاقوت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۶		۴				
				۶			۲	۷
		۸			۷		۶	
۴			۸					
۶			۲					
						۳	۸	۵
					۳			
	۲				۱	۵		
	۷			۹		۲		۴

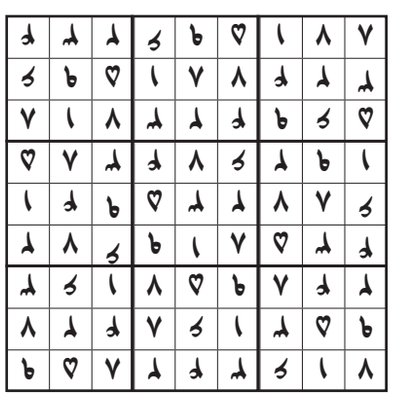

جدول کلمات متقاطع
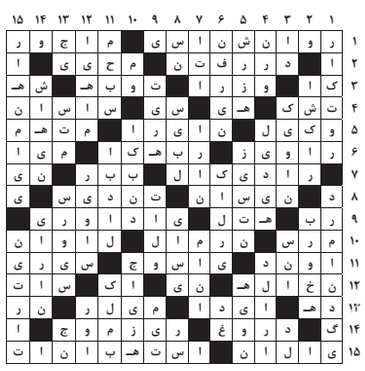
پاسخ جدول شماره ۶۶۰۴